



درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: وضع

تاریخ: ۲۱ فروردین ۱۳۹۲

موضوع جزئی: قسم سوم وضع - وضع هیئات - نظریه امام (ره) در جمل انشائیه

مصادف با: ۲۹ جمادی الاول ۱۴۳۴

سال: چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث در نظریه امام (ره) پیرامون هیئات جمل تامه بود، عرض کردیم جمل تامه بر دو قسم است؛ جمله خبریه و جمله انشائیه، موضوع بحث این بود که آیا هیأت جمله خبریه و هیأت جمله انشائیه از نظر معنی و موضوع له مختلفند یا متحد؟ و اگر مختلفند به چه معناست و اگر متحدند به چه معناست؟ چندین نظریه را در این رابطه مورد بحث و بررسی قرار دادیم، نظریه آخر نظریه امام (ره) است، عرض کردیم ایشان در مورد جملات خبریه معتقدند آن دسته از جملات خبریه‌ای که حروف و ادات در آنها بکار برده شده بر نسبت و ربط بین موضوع و محمول دلالت می‌کند ولی جملات خبریه‌ای که حروف و ادات در آنها بکار برده نشده برای دلالت بر اتحاد و هوهویت تصدیقیه وضع شده‌اند. در مورد جملات انشائیه عرض کردیم، جملات انشائیه به نظر امام (ره) بر دو قسم است؛ یک دسته از جملات انشائیه در باب عقود و ایقاعات بکار برده می‌شود و دسته دیگر مربوط به باب اوامر و نواهی است، فعلاً بحث در جمل انشائیه مورد استعمال در باب عقود و ایقاعات است، جمل انشائیه‌ای که در باب اوامر و نواهی بکار برده می‌شود و جملات خبریه فعلیه را بعداً مورد بحث قرار خواهیم داد.

نظر امام (ره) درباره قسم دوم جملات انشائیه:

برای اینکه نظر امام (ره) به طور کامل معلوم و روشن شود به طور اجمالی اشاره‌ای می‌کنیم به نظر ایشان در مورد جمل انشائیه‌ای که در باب اوامر و نواهی بکار برده می‌شوند. درست است که ما در اینجا به «بعث» مثال می‌زنیم و همه مدار بحث ما در «بعث» خبری و انشائی است ولی این یک مثال است، ما یادآوری کردیم که موضوع بحث مرحوم آخوند در جملات خبریه و انشائیه عمدتاً ناظر به جملاتی است که در ابواب عقود و ایقاعات مورد استفاده قرار می‌گیرند مثل «بعث»، «زوجت»، «طلقت» و امثال آن، جملاتی که در غیر ابواب عقود و ایقاعات بکار می‌روند مثل صیغه امر و صیغه نهی را بعداً مورد بحث قرار خواهیم داد ولی اجمالاً می‌گوییم که امام (ره) در مورد هیأت امر می‌فرمایند: «هیئة الامر موضوعة للبعث و الاغراء و تستعمل استعمالاً ایجاباً لا حکائياً بخلاف هیئة الماضی و المضارع فانها موضوعة للحکایة»^۱ هیأت امر برای تحریک کردن و وادار کردن وضع شده است و به عنوان یک استعمال ایجابی، استعمال می‌شود

۱. منهاج الوصول، ج ۱، ص ۲۴۳.

نه استعمال حکایه بخلاف هیأت ماضی و مضارع که برای حکایت، وضع شده است. پس موضوع له هیأت امر با موضوع له هیأت ماضی و مضارع متفاوت است، موضوع له هیأت امر، ایجاد است ولی موضوع له هیأت ماضی و مضارع، حکایت است. به این نکته هم توجه داشته باشید که هیأت امر و هیأت ماضی و مضارع در یک جهت مشترکند و آن اینکه هر دو جمله فعلیه می‌باشند، امام (ره) در بحث مشتق می‌فرماید: «و المشتق فعلیة و اسمیة و الفعلیة منها حاکیات کالماضی و المضارع و منها موجِدات کالاول...»^۱؛ مشتق بر دو قسم فعلی و اسمی است و جملات فعلیه دو دسته‌اند؛ دسته اول حاکیات هستند مثل ماضی و مضارع و دسته دوم موجِدات هستند مثل اوامر. به طور کلی امام (ره) می‌فرماید: هیئات افعال دارای معنای حرفی است، یعنی هم هیأت جمله فعلیه ماضی یا مضارع و هم هیأت اوامر معنای حرفی (غیر استقلالی) دارند، چون مثلاً هیأت ماضی برای حکایت از تحقق صدور حدث از فاعل وضع شده که این یک معنای غیر استقلالی دارد چون وابسته به دو طرف است که آن دو طرف، حدث و فاعل می‌باشند و خودش به تنهایی قابل فهم نیست و آن ارتباط صدوری حدث از فاعل یک معنای حرفی و غیر استقلالی است که از هیأت فهمیده می‌شود. پس بعضی از هیئات جمله فعلیه حاکیات هستند مثل ماضی و مضارع و بعضی از آنها موجِدات هستند مثل اوامر ولی هر دو قسم یک معنای حرفی غیر استقلالی دارند.

فرق بین ماضی و مضارع هم در این است که ماضی از سبق تحقق حدث حکایت می‌کند و مضارع از لحوق تحقق حدث حکایت می‌کند اما ماضویت یعنی زمان گذشته و مضارعیت یعنی زمان حال و استقبال در معنای موضوع له دخیل نیست، بلکه این هیأت برای یک حصه‌ای از تحقق حدث وضع شده که گاهی ملازم با گذشته و گاهی هم ملازم با حال است.^۲ غرض از نقل این مطالب این است که امام (ره) وقتی می‌خواهد معنای جمله انشائی را بگوید می‌فرماید: ما در این مقام درباره جمل انشائی‌ای بحث می‌کنیم که در عقود و ایقاعات استعمال می‌شوند و آنچه مربوط به اوامر است بعداً مورد بحث قرار خواهد گرفت. همچنین آنچه ایشان در مورد جملات خبریه فرمودند مربوط به جمله اسمیه بود و الا در رابطه با جمله فعلیه فرمودند در بحث مشتق به آن اشاره خواهیم کرد. پس آنچه امام (ره) در تبیین جملات خبریه فرمودند ناظر به هیئات جمل اسمیه است و جمله فعلیه را به بحث مشتق احاله دادند که در آنجا بحث خواهد شد که هیأت جمله فعلیه به چه معناست، آنچه هم ایشان در باب جمل انشائی فرمودند مربوط به هیئاتی است که در باب عقود و ایقاعات استعمال می‌شوند و الا هیأت امر و نهی را به بحث اوامر و نواهی احاله داده‌اند. غرض ما این بود که خلاصه‌ای از نظر ایشان در مورد هیأت جملات فعلیه خبریه و هیأت اوامر عرض کنیم که معلوم شود آنچه الآن موضوع بحث ماست جملات انشائی‌ای است که در ابواب عقود و ایقاعات بکار برده می‌شوند مثل «بعث» لذا باید توجه داشته باشید که وقتی ما می‌گوییم معنای جمله خبری و انشائی یکی است ذهن شما به اوامر منتقل نشود و هیأت فعل امر را با هیأت فعل ماضی

۱. همان، ج ۱، ص ۲۰۵.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۰۶.

مقایسه کنید و بگویید مگر می‌شود که معنای «اضرب» با معنای «ضربت» یک چیز باشد، منظور از جملات خبریه‌ای که به آن اشاره کردیم و گفتیم گاهی در آن از حروف استفاده شده مثل «زیدٌ له القیام» و گاهی در آن، حروف بکار برده نشده مثل «زید قائم»، جملات اسمیه است و گفتیم جمله خبریه‌ای که در آن از حروف استفاده نشده برای دلالت برای اتحاد و هوهویت تصدیقیه بین موضوع و محمول وضع شده است و جمله خبریه‌ای هم که در آن از حروف و ادات استفاده نشده برای دلالت بر نسبت و ربط بین موضوع و محمول وضع شده است. در جمله انشائی هم آن جملاتی مورد نظر است که در باب عقود و ایقاعات بکار برده می‌شوند، نه جملاتی که در باب اوامر و نواهی بکار برده می‌شوند. عرض کردیم در اینجا دو تقریر از کلمات امام (ره) ارائه شده؛ تقریر اول این بود که معنی و موضوع له «بعث» انشائی با «بعث» خبری متفاوت است، چون هیأت «بعث» انشائی برای دلالت بر ایجاد معنای بیع وضع شده ولی هیأت «بعث» اخباری برای دلالت بر حکایت وضع شده است لذا معنای این دو متباین است. عبارت امام (ره) در مناهج الوصول هم بر این تقریر قابل حمل است و هم بر تقریر دوم. تقریر دوم این بود که بین معنی «بعث» خبری و «بعث» انشائی فرقی نیست و هر دو برای دلالت بر ایجاد و ایقاع معنای بیع وضع شده‌اند و تفاوت آنها فقط به لحاظ زمان است که «بعث» انشائی بر ایجاد و ایقاع معنای بیع در زمان حال دلالت می‌کند ولی «بعث» خبری بر ایجاد و ایقاع معنای بیع در زمان گذشته دلالت می‌کند، عبارت تنقیح الاصول صراحتاً به تقریر دوم اشاره دارد که در جلسه گذشته به آن اشاره کردیم. طبق تقریر اول، جمله انشائی برای ایجاد حقیقت بیع وضع شده ولی جمله خبریه برای حکایت از ایجاد حقیقت بیع وضع شده اما در تقریر دوم گفته شد که جمله خبریه و انشائی مشترکند در اینکه هر دو برای دلالت بر ایجاد وضع شده‌اند لکن جمله انشائی برای ایجاد و ایقاع در زمان حال و جمله خبریه برای ایجاد و ایقاع در زمان سابق وضع شده است لذا تفاوت این دو فقط به لحاظ زمان است.

قرینه بر اراده تقریر دوم:

امام (ره) در مناهج الوصول درباره انشاء می‌فرماید: هیئات جمل انشائی هم مثل هیئات جمل انشائی مختلفند، اگر به خاطر داشته باشید ایشان فرمود: موضوع له یک قسم از جملات خبریه را که حروف و ادات در آن بکار برده نشده اتحاد و هوهویت تصدیقیه بین موضوع و محمول است و قسم دیگر از جملات خبریه را دال بر نسبت و ربط بین موضوع و محمول دانست. در مورد هیئات جمل انشائی هم می‌فرماید: جملات انشائی بر دو قسم است؛ چون گاهی متکلم انشاء هوهویت می‌کند مثل اینکه متکلم در مقام انشاء بگوید: «انت حرٌّ»، «انت طالقٌ» و «انا ضامنٌ»، وقتی متکلم می‌گوید «انت حرٌّ» در واقع انشاء هوهویت می‌کند یعنی در مقام اعتبار، موضوع را مصداق محمول قرار می‌دهد یعنی می‌گوید تو یک مصداقی از حر هستی و به واسطه این اعتبار و جعل در نزد عقلاء، موضوع یک مصداقی از محمول می‌شود و عقلاء همان آثاری را که بر محمول مترتب است، بر این موضوع مترتب می‌کنند. پس در اینجا در واقع متکلم انشاء هوهویت کرده است و گاهی هم انشاء اضافه و ربط می‌کند مثل اینکه بگوید «من ردُّ ضالَّتی فله هذا الدینار»؛ این دینار مال کسی

است که گمشده من را پیدا کند که در اینجا متکلم انشاء می‌کند اضافه این دینار را به کسی که گمشده‌اش را پیدا کند و با این کلام یک نسبتی بین دینار و آن شخص ایجاد می‌کند. البته گاهی هم ممکن است انشاء یک ماهیت اعتباری ذات اضافه بکند مثلاً وقتی می‌گوید «بعُتک» در واقع یک طبیعت اعتباریه ایجاد می‌کند در حالی که اضافه به متعلقات خودش دارد، وقتی می‌گوید «بعُتک بهذا»، با این جمله طبیعت اعتباری بیع را ایجاد می‌کند و ماهیت بیع را که یک ماهیت اعتباری است ایجاد می‌کند که این ماهیت یک اضافه‌ای به خودش دارد به عنوان بایع و یک اضافه‌ای هم به طرف مقابلش دارد به عنوان مشتری، یک اضافه‌ای به ثمن دارد و یک اضافه‌ای هم به مثنی، پس گاهی هم انشاء یک ماهیت اعتباری ذات اضافه می‌کند.^۱

پس امام (ره) در دسته بندی جملات انشائیه در واقع همان دو دسته‌ای را ذکر می‌کند که در جملات خبریه هم ذکر کرد. در جملات خبریه، دلالت بر هوهویت تصدیقیه را موضوع‌له یک قسم از جملات خبریه دانست که بر وزان آن در اینجا هم موضوع‌له یک قسم از جملات انشائیه را انشاء هوهویت تصدیقیه دانست. همچنین در جملات خبریه فرمودند جملاتی که در آنها از حروف و ادات استفاده شده بر نسبت و ربط بین موضوع و محمول دلالت دارد که در اینجا هم فرمودند یک قسم از جملات انشائیه بر انشاء نسبت بین موضوع و محمول دلالت دارد. ما که می‌گوییم موضوع‌له هیأت جمله خبریه و انشائیه یکی است، هر کدام از این هیئات را با هم سنخ خودش می‌سنجیم و الا در خود جملات خبریه موضوع‌له یک قسم با موضوع‌له قسم دیگر فرق دارد؛ چون موضوع‌له جملات خبریه‌ای که در آنها از حروف استفاده می‌شود با موضوع‌له جملاتی که در آنها از حروف استفاده نمی‌شود فرق می‌کند چرا که موضوع‌له در یکی اتحاد و هوهویت تصدیقیه بین موضوع و محمول ولی در دیگری ربط و نسبت بین موضوع و محمول، موضوع‌له است. در انشاء هم مطلب از همین قرار است یعنی موضوع‌له در یک قسم از جملات انشائیه با قسم دیگر فرق می‌کند، پس ما وقتی می‌خواهیم هیئات را بسنجیم می‌خواهیم بگوییم آن هیأت جمله خبریه که دال بر هوهویت تصدیقیه است مثل «انت طالق» با این هیأت جمله انشائیه که انشاء هوهویت تصدیقیه می‌کند مثل «انت طالق» - انت طالق هم می‌تواند در مقام اخبار بکار رود و هم در مقام انشاء - یکی است و همچنین «بعُتک» که ایجاد یک حقیقت اعتباری می‌کند که ذات اضافه است به عنوان جمله خبری یک هیأتی دارد و به عنوان جمله انشائی هم هیأتی دارد ولی این دو هیأت یکی است و می‌تواند بگوید «بعُتک» به عنوان انشاء و هم می‌تواند بگوید «بعُتک» به عنوان اخبار، هم می‌تواند به عنوان یک جمله خبریه بگوید «انت طالق» و هم به عنوان یک جمله انشائیه بگوید «انت طالق»، حال می‌خواهیم ببینیم آیا موضوع‌له این هیأت در مقام خبر و مقام انشاء یکی است یا بین آن جایی که در مقام انشاء بکار می‌رود با آن جایی که در مقام اخبار بکار می‌رود فرق می‌کند؟ قطعاً بین این دو فرق است ولی می‌خواهیم ببینیم این فرق جزء موضوع‌له است یا خارج از موضوع‌له است؟ وقتی امام (ره) می‌فرماید «انت طالق» در مقام اخبار بر هوهویت تصدیقیه دلالت می‌کند و همین جمله در مقام انشاء هم بر انشاء

۱. مناہج الوصول، ج ۱، ص ۹۵ و ۹۶.

هوهویت تصدیقیه دلالت می‌کند، این مسانخت قرینه است بر اینکه معنای این دو متفاوت نیست، درست است که جمله خبریه در مقام حکایت و جمله انشائیه در مقام ایجاد است ولی موضوع‌له هیأت این دو جمله با هم تفاوتی ندارد. پس از آنچه که امام (ره) در دسته بندی جملات انشائیه و خبریه فرمودند بدست می‌آید که ایشان نمی‌خواهد بگوید هیأت جملات انشائیه و اخباریه از حیث موضوع‌له با هم فرق می‌کند، بلکه منظور ایشان این است که موضوع‌له جملات خبریه و انشائیه واقع شده در عقود و ایقاعات یکی است و هر دو دلالت بر ایجاد دارند لکن جملات خبریه بر ایجاد در زمان سابق و جملات انشائیه بر ایجاد در زمان حال دلالت دارد و تفاوت فقط به لحاظ زمان ایجاد است و فرقی هم نمی‌کند که جمله اسمیه باشد یا فعلیه، البته کلام امام (ره) خیلی روشن نیست چون ایشان در فرق بین جمله فعلیه و انشائیه فرمودند: هیأت امر برای بعث و اغراء وضع شده بخلاف هیأت ماضی و مضارع که برای حکایت وضع شده است. ولی در مجموع با توجه به مطالبی که ذکر شد می‌توان گفت تقریر دوم از کلمات امام (ره) صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

نتیجه:

به هر حال چه نظر امام (ره) این باشد که موضوع‌له جملات خبریه با جملات انشائیه در ابواب عقود و ایقاعات متحد است و چه نظرشان این باشد که موضوع‌له این دو، متحد نیست ولی آنچه مسلم است این است که هر دو (جمل انشائیه و خبریه) یک معنای حرفی دارند و غیر استقلالی‌اند. نتیجه آن که اگر گفته شود هیأت جمل انشائیه و خبریه یک موضوع‌له دارند و هر دو برای ایجاد به معنای حرفی وضع شده‌اند لکن یکی ایجاد در زمان حال و دیگری ایجاد در زمان گذشته است، در این صورت نظر ما با نظر امام (ره) یکی است ولی اگر گفتیم نظر امام (ره) این است که موضوع‌له جمل انشائیه و خبریه با هم متفاوت است به این نحو که موضوع‌له در جمل انشائیه ایجاد و در جمل خبریه، حکایت است در این صورت ما نظر ایشان را قبول نداریم.

«والحمد لله رب العالمین»